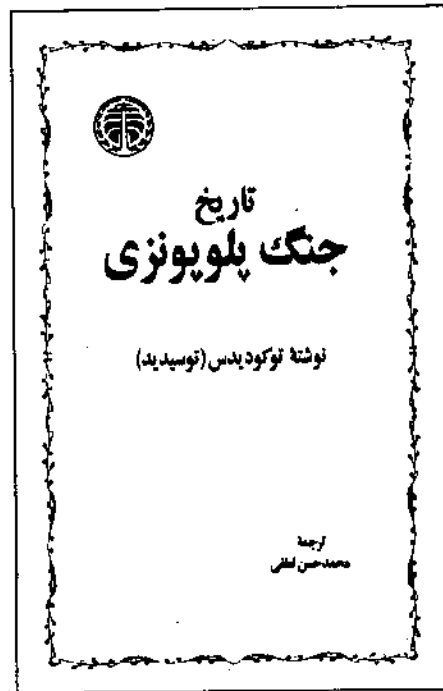


روایت کامل و مستندی از جنگ‌های پلوپونزی یونان در کتاب تاریخ جنگ پلوپونزی

- تاریخ جنگ‌های پلوپونزی
- تألیف: توکودیدس (توسیدید)
- ترجمه: محمدحسن لطفی
- ناشر: خوارزمی تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

کتاب تاریخ جنگ‌های پلوپونزی یکی از منابع بسیار مهم برای تاریخ یونان باستان است که در آن شرح مفصل جنگ‌های ۲۷ سالهٔ موسوم به پلوپونزی میان آتن و اسپارت و متحدان آنها گزارش شده است. این اثر با وجود ترجمه‌ها و چاپ‌های فراوان آن به زبان‌های اروپایی، تاکنون متن کاملی از آن به فارسی ترجمه نشده بود. اینک برای نخستین بار ترجمهٔ متن کامل آن از دو ترجمهٔ آلمانی و یک ترجمهٔ انگلیسی به همت مترجم و استاد فقید، مرحوم محمد حسن لطفی در اختیار محققان و تاریخ پژوهان ایرانی قرار گرفته است. هر چند این اثر راجع به شرق باستان نیست و عمدتاً به شرح جنگ‌های پلوپونز مربوط می‌شود، با این همه قسمت‌هایی از آن با تاریخ ایران پیوند می‌یابد، به ویژه در فرازهایی از آن سیاست دربار هخامنشی نسبت به یونانیان که گاه به آتن و گاه به اسپارت کمک می‌کرد و سیاستش بر تضعیف هر دو کشور قرار داشت روشن می‌گردد لازم به توضیح است که در شناسنامهٔ کتاب، تاریخ چاپ، دی ماه ۱۳۷۷ ثبت شده، لیکن توزیع آن به دلایلی نامعلوم تاکنون به عهدهٔ تعویق افتاده بود علی‌ایحال از آنجا که کتاب در دی‌ماه ۱۳۷۸ به مؤسسهٔ «خانه کتاب» و در نتیجه به دفتر کتاب ماه رسیده است، فرصت را غنیمت شمرده نگاهی گذرا به آن افکنندیم:

پلوپونز یا پلوپونس یا پلوپونزوس شبه جزیرهٔ جنوبی یونان است که خود به شبه جزیره‌های متعدد تقسیم شده و میدان جنگ‌های آتن و اسپارت بوده است. این جنگ‌ها که ۲۰ سال پس از جنگ‌های ایران و یونان روی داد و به زوال قدرت آتن منتهی شد، ۲۷ سال (از سال ۴۳۱ تا ۴۰۴ ق. م) به طول انجامید که



علت اصلی آن را برتری آتن و تمدن درخشان آن می‌دانند که موجب حسادت مردم اسپارت شد.^۱ این جنگ‌ها در تعقیب جنگ‌های مادی (ایران و یونان) تفوق بحری آتن ایونی و دارای حکومت عامه (دموکراسی) بود چه بر ضد او ملل بزی بُری که دارای حکومت اشرافی بودند عصیان کردند و چند واقعهٔ فرعی از قبیل مداخلهٔ آتن در مشاجرات کرسیر و کرنس موجب برافروخته شدن آتش جنگ گردید، جنگ پلوپونز به سه مقطع تقسیم می‌شود. از ۴۳۱ تا ۴۲۱ ق. م: جنگ‌جویان متقابلاً سرزمین‌های طرف مقابل را خراب می‌کردند، بدون آنکه به نتیجهٔ قطعی برسند. این دوره با صلح نی‌سیاس که صلح را به مدت پنجاه سال تضمین می‌کرد (ولی در ۴۱۶ ق. م دوباره آتش جنگ شعله‌ور شد) به پایان می‌رسد. از ۴۱۶ تا ۴۱۳ دورهٔ دوم این جنگ است در این مدت اسپارتيان به صقلیه

(سیسیل) حمله بردند و جهازات بحری و سپاهیان آتنی را در مقابل سیراکوز شکست دادند و منهدم ساختند. دورهٔ سوم از ۴۱۲ آغاز می‌شود: آتنیان در مقابل ملیط (میله) واقع در سی‌زیک بر ارژینوزها غلبه کردند ولی اسپارتيان که با پول‌های دولت ایران تقویت می‌شدند لامپ ساک را تسخیر کردند و در اگس پتامس به سال ۴۰۵ پیروز شدند.^۲

بنابر این خصومتی که از تباین منافع حاصل شد بر ضدیت‌هایی که از دیرگاه بین یونانی‌ها وجود داشت افزود. چنانکه میتوان گفت، جنگ پلوپونز از سه سرچشمه آب می‌خورد: ۱- از اصطکاک منافع مادی ۲- از ضدیت قومی بین یونانی‌ها و دریانها (آتنی‌ها، یونانی و لاسه‌مونی‌ها دریانی بودند)، ۳- از میانیت حکومت ملی با اشرافی (که آتن نمایندهٔ اولی بود و اسپارت نمایندهٔ دومی).

اگرچه شرح جنگ‌های پلوپونز را مورخان دیگری همچون گزنفون، دیودور و ژوستین نیز نگاشته‌اند اما هیچ کدام وقایع این جنگ‌ها و روابط ایران و یونان و نقش و دخالت‌های دربار هخامنشی را در این مدت مدید مانند توسیدید روشن نکرده‌اند، به ویژه آنکه توسیدید خودش در مدت ۲۱ سال از آغاز جنگ در آن شرکت داشته یا شاهد قضا یا بوده است.

توکودیدس یا توسیدیداز بزرگترین تاریخ‌نویسان یونان است که در حدود سال ۴۶۰ ق. م. (به عبارتی ۴۷۱ ق. م) در آتن در خانواده‌ای اشرافی چشم به جهان گشود و در حدود سال ۳۹۵ ق. م. در گذشت. وی در جنگ‌های پلوپونزی شرکت داشته و در سال ۴۲۴ ق. م فرمانده بخشی از نیروی دریایی آتن در جنگ آمفیپولیس بوده است. لیکن دیری نگذشت که به علت دیر رسیدن به محل ماموریت خود او را متهم و از آتن تبعید کردند و بیست سال از وطن دور ماند. این مدت را توسیدید در تراکیا، در میان اقوام مختلفی که در جنگ‌های پلوپونزی مداخله داشتند به سر برد و به نگارش «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی» پرداخت. در سال ۴۰۴ ق. م. حکم تبعیدش لغو شده است. اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران در مورد بی‌طرفانه و عاری از هر گونه غرض بودن کتاب توسیدید متفق‌القولند. مترجم گرانقدر کتاب، روان شاد محمدحسن لطفی در مقدمهٔ موجز و مفید خود پیشینه و روند تاریخ‌نویسی در یونان به طور کلی، همچنین اندیشه، شیوهٔ تاریخ‌نویسی، ارزش تاریخ‌نگاری، شرایط و اوضاع و احوال زمان حیات توسیدید و جنبه‌های دیگر کتاب او را چنین بیان نموده‌است: «... از گرایش به معتقدات دینی یونانی و شعر و قصه و داستان و ساده دلی و زود باوری هروودت در نوشتهٔ توکودیدس اثری نیست، و امور و داستان‌هایی که به معنی گسستگی جریان طبیعتند برای او اصلاً وجود ندارند، و آنجا که به مناسبتی سخن از این گونه داستانها و حتی پیشگوییهای اراکل پیش می‌آید توکودیدس از آنها با لحنی استهزاآمیز یاد می‌کند و همهٔ رویدادهایی را که در زمان او خارق‌العاده تلقی می‌شدند - مانند گرفتگی ماه و خورشید و طوفان و سیل و نظیر اینها - به علل طبیعی بر می‌گرداند توجه او در درجهٔ اول معطوف به عوامل سیاسی و نسبت‌های واقعی نیروهاست. او در

پس پشت وقایع تاریخی نیروهای محرک کلی، و اوضاع و احوال و روحیات اقوام، و مخصوصاً منافع دولتها را می‌جوید.

مرگ زودرس توکودیدس شاید در حدود پنجاه سالگی به او اجازه نداد اثر بزرگ خود را به پایان برساند و کسنوفون (۴۳۰ تا ۳۵۵ ق. م) دنباله کار او را گرفت و تاریخ یونان را نوشت ولی نشان داد که تا چه پایه از ژرفای اندیشه و وسعت دید سلف بزرگ خود بی‌بهره است و تا چه حد از دریافتن قانون قدرت و سیاست ناتوان است و با اعتقاد ساده‌دلانه به عدالت اخلاقی، چه سقوط اسپارت و چه تباهی آتن را، کيفر آسمانی غرور انسانی تلقی کرد. توکودیدس برخلاف هرودوت از تمامی دنیای شناخته شده آن زمان سخن نمی‌گوید بلکه افق ذهن خود را به منطقه نفوذ دولت‌شهر یونانی محدود می‌سازد ولی همین موضوع محدود را که آکنده از مسائل عظیم است با تمامی وجودش تجربه می‌کند و درباره آنها با عمقی اعجاب‌انگیز می‌اندیشد و مهمترین این مسائل ماهیت سیاسی است. او شهروند اشراف زاده آتنی زمان پریکلس (pericles) بود و در دورانی بسر می‌برد که در آن، فعالیت سیاسی برای آتینیان جزء زندگی، و حتی خود زندگی بود. در آن زمان دولت‌شهر آتن یکباره با بحرانی بزرگ مواجه شده بود، ولی فرق آتن با کشورهای دیگر، این بود که آتن به شیوه دموکراسی اداره می‌شد و گروهی شایان توجه از متفکران سیاسی در آن زندگی می‌کردند و وظیفه خود می‌دانستند که آگاهی تاریخی به معنای تازه و با محتوایی تازه به وجود آورند و خود را مجبور می‌دیدند ضرورت تاریخی بحرانی را که قول جامعه بدان منجر شده بود کشف کنند. بدین جهت آتن آن روزگار آکنده از بحث‌ها و گفت‌وگوها درباره ژرفترین مسائل زندگی انسانی بود و سوفسطائیان نامدار و بزرگ مردانی مانند سقراط و اریستوفانس در این بحث‌ها و کاوش‌ها شرکت داشتند.

توکودیدس در دامن چنین محیطی بار آمده بود و در میان آن زندگی می‌کرد و در جنگ بزرگ میان آتن و دولتهای پلوپونزی - که به جنگ سی ساله معروف است - یکی از فرماندهان نیروی دریایی آتن بود. او با اینکه به احتمال بسیار یادداشت‌هایی را که برای نوشتن تاریخ جنگ آماده ساخته بود پس از پایان جنگ منظم ساخته و به صورت کتاب در آورده‌است، نوشتن یادداشت‌ها را، چنانکه خود در آغاز کتابش می‌گوید، با شروع جنگ آغاز کرده است... به عقیده او وظیفه تاریخ، بخشیدن تجربه سیاسی است نه محتوای اندیشه‌های دینی یا اخلاقی یا فلسفی، و سیاست دنیایی است که قوانین درونی خاص خود را دارد و یگانه راه دستیابی به این قوانین این است که واقعیات تاریخی را نه تک به تک، بلکه به عنوان جزئی از فرایندی مداوم بیاماییم، با این همه توکودیدس هرگز مانند فیلسوفان، نظریه‌ای کلی اظهار نمی‌کند، بلکه ضرورت سیاسی هر واقعه‌ای را از طریق تشریح مستقیم و مجسم نمودن آن واقعه نمایان می‌سازد و یکی از وسایل مجسم ساختن وقایع، نقل گفتارهای متعدد از اشخاص گوناگون در بخشهای مختلف کتاب است و همین خود یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ‌نویسی اوست... به عقیده او

خدایان اثری در فرایند تاریخ ندارند بلکه جریان تاریخ را طبیعت انسانی و مخصوصاً اشتیاق به قدرت - و گاهی تصادف - معین می‌کند و نویسنده کتاب می‌کوشد نیروهای مؤثر در تاریخ و محرک‌های سیاستمداران را نشان دهد و در عین حال می‌خواهد ماهیت شعارهای سیاسی و نسبت مسلک به واقعیت را در سیاست روشن کند... توکودیدس به وسیله گفتارها، اندیشه‌های خود را بیان می‌کند، بی‌آنکه شخص خود را در برابر چشم خواننده قرار دهد؛ در تاریخ او حکایت هر واقعه، با تفکر درباره آن واقعه، قرین است و او لازم می‌بیند که علت حقیقی هر رویداد و هر بحران را از علائم و مظاهر آن متمایز سازد و بدین‌سان مسئله را از حوزه قانون و اخلاق بدر آورد و به آن جنبه عینی ببخشد. بارها تکرار می‌کند که تاریخ اقوام و افراد تکرار می‌شود زیرا که طبیعت آدمی همیشه همان است و همیشه به یک منوال باقی می‌ماند و این سخن او یکی از مظاهر اندیشه یونانی است که همیشه روی در شناخت کلی دارد.

توکودیدس پس از پایان جنگ، به منظم ساختن یادداشت‌های خود و نوشتن تاریخ جنگ پرداخته است ولی گویا به علت مرگ زودرس نتوانسته است تاریخ خود را به اتمام برساند. به طوری که تاریخ یکباره در سال ۴۱۱ ق. م، یعنی هفت سال قبل از وقایع پایان جنگ قطع می‌شود ولی کتاب پنجم، بند ۲۶ نشان می‌دهد که او به هر حال سال‌ها پس از ۴۱۱ ق. م مشغول نوشتن تاریخ خود بوده‌است. از سبک کتاب هشتم پیداست که این کتاب اخیر را ناشر تاریخ پس از مرگ او با بهم پیوستن یادداشت‌هایی پدیدآورده است. تقسیم تاریخ به هشت کتاب و هر کتاب به بندهای متعدد، از توکودیدس نیست. این کار در دوره یونانی مابسی پس از درگذشت اسکندر، به دست محققان اسکندرانی، صورت گرفته است.^۳

همانطور که ذکر شد، مطالب تاریخ توسیدید در هشت «کتاب» تقسیم‌بندی شده که عمده‌ترین مطالب و سر فصل‌های آن به شرح زیر است: نویسنده در کتاب اول از اهمیت جنگ حاضر (پلوپونزی) و وقایعی که منجر به جنگ شد سخن می‌گوید کتاب دوم شامل وقایع سال‌های اول، دوم و سوم جنگ است. در کتاب سوم حوادث سالهای چهارم تا ششم جنگ شرح داده شده و کتاب چهارم به گزارش وقایع سال‌های هفتم تا نهم جنگ اختصاص دارد. در کتاب پنجم حوادث سالهای دهم تا شانزدهم جنگ پی‌گیری می‌شود. در کتاب ششم از لشکر کشی آتینیان به سیسیل (۴۱۵-۴۱۳ ق. م) و رویدادهای سالهای هفدهم و هجدهم جنگ سخن به میان آمده است. کتاب هفتم وقایع نوزدهمین سال جنگ را در بردارد و کتاب هشتم متضمن حوادث مربوط به سالهای بیستم و بیست و یکم جنگ است.

فرازهایی از مطالب کتاب هشتم به دلیل ارتباط بیشتر با ایران عصر هخامنشی در اینجا ذکر می‌شود: آغاز دخالت ایرانیان، اسپارتیان در ایوبی، پیمان اتحاد شاه ایران با اسپارت، سقوط دموکراسی و برقراری حکومت اشراف در آتن (۴۱۱ ق. م)، سومین پیمان ایران با اسپارت، سقوط حکومت اشراف در آتن، افتادن اوبویا

به دست اسپارت، پیروزی سپاه آتن در کونوسما. لازم به توضیح است کتاب مورد معرفی که در ۵۲۳ صفحه فراهم آمده، با فهرست مندرجات، فهرست جزئیات وقایع جنگ پلوپونزی و یادداشت مترجم آغاز می‌شود. نگاه متن اصلی کتاب توسیدید ذیل هشت «کتاب» آمده است و در خاتمه فهرست راهنما مندرج است بدین ترتیب بایستی پیوستن یکی از منابع دست اول تاریخ یونان را به جمع کتابهای تاریخ تبریک گفت و از تلاش و اهتمام تحسین برانگیز مترجم آن تقدیر و تشکر نمود. در خاتمه ضمن ادای احترام به تلاش‌های مترجم فقید، استاد محمدحسن لطفی در ترجمه آثار سترگ پیرامون فلسفه و تاریخ یونان باستان به فارسی، در زیربستی از آثار ترجمه شده آن روان‌شاد برای استفاده بیشتر ارائه می‌گردد.

● آغاز و انجام تاریخ، کارل یاسپرس، محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول ۱۳۴۶، چاپ دوم ۱۳۷۴.

● آگوستین، کارل یاسپرس، محمدحسن لطفی،

تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۳

● دوره آثار افلاطون، تهران، خوارزمی، چاپ اول

۱۳۶۴، چاپ دوم ۱۳۶۷

● خاطرات سقراطی، کسنوفون، محمدحسن

لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۴

● افلاطون، کارل بورمان، محمدحسن لطفی،

تهران، طرح‌نو، چاپ اول، ۱۳۷۵

● اسپینوزا: فلسفه، الهیات و سیاست، کارل

یاسپرس، محمدحسن لطفی، تهران، طرح‌نو، چاپ اول

۱۳۷۵، چاپ دوم ۱۳۷۷، چاپ سوم ۱۳۷۸

● متفکران یونانی، تئودور گمپرتس، محمدحسن

لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول ۱۳۷۶

● پایدا، ورنر ریگر، محمدحسن لطفی، تهران،

خوارزمی، چاپ اول ۱۳۷۶

● فرهنگ رنسانس در ایتالیا، یا کوب بورکهارت،

محمدحسن لطفی، تهران، طرح‌نو، چاپ اول، ۱۳۷۷

● گفتارها، نیکولو ماکیاولی، محمدحسن لطفی،

تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۷

● سماع طبیعی، ارسطو، محمدحسن لطفی، تهران،

طرح‌نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● مابعدالطبیعه، ارسطو، محمدحسن لطفی، تهران،

طرح‌نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● اخلاق نیکوماخوس، ارسطو، محمدحسن لطفی،

تهران، طرح‌نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● تاریخ جنگ پلوپونزی، توسیدید،

محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۸

پی‌نوشتها:

۱- ممتحن، حسینعلی: کلیات تاریخ عمومی، ج ۱، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲. دولاندن، ش: تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۲۶.

۲- فرهنگ معین، ذیل لغت پلوپونزی

۳- توکودیدس (توسیدید): تاریخ جنگ پلوپونزی، ترجمه

محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۷،

صص ۱۷، ۲۳، مقدمه مترجم.